



جبهه ملی

ارگان نیروهای ملی ایران

سرمقاله

از مهندس مسعود هارون مهدوی
آلمان - مونیخ

جایز الخطا

هم میهنان گرامی،

قاعدتاً شما هم مثل خیلی از ایرانیان مخالف حکومت جمهوری اسلامی، به نحوه کار اپوزیسیون ایراد داشته و از اینکه تاکنون نتوانسته در ارتباط با ایجاد همبستگی مابین فعالین سیاسی مخالف رژیم حاکم بر ملت ایران موفق باشد، معترض هستید، حال اگر یکی از آرزوهای بزرگ شما خاتمه دادن به ادامه حکومت جمهوری اسلامی و برقراری یک سیستم دموکراسی برگزیده از مردم می باشد، لطف بفرمائید پس از مطالعه این مقاله و پی بردن به نکاتی که احتمالاً نقش اصلی را در زمینه این شکست بازی کرده، با توجه به برداشت و قضاوتی که نسبت به آن می فرمائید، با جمع بندی از محتوی این مقاله حتی المقدور در رفع این معضلات سهمی ایفا نمائید. مطمئن باشید عمل شما در پیشبرد مبارزات ملت ایران می تواند خیلی مؤثر و کارساز باشد.

با نهایت تأسف بیش از یک ربع قرن شاهد آن هستیم که هر چند گاهی افرادی بخاطر مطرح شدن و کسب موقعیت، دانسته و یا ندانسته مطالبی را به میان می کشند که جز ایجاد نفاق و آب به آسیاب دشمن ریختن بازدهی دیگری نداشته است. مدتی است که فعالین سیاسی و ملت ایران با یک نوع درآمیختگی سیاسی مواجه شده اند که نمی تواند با عقل و احساس کسی که از رژیم و نظام جمهوری اسلامی متنفر و تشنه نجات مردم ایران از این وضع رقت انگیز می باشد، همخوانی داشته باشد.

حال چنانچه خواسته باشند، با سوء استفاده از اعتماد دیگران و موقعیت پیشین خود، به بهانه «بررسی تاریخ» وارد بحثی شوند که نهایتاً قصدشان لطمه زدن به حیثیت سیاسی و تضعیف شخصیت ها و گروه های ملی میباشد، در واقع یک بازی سیاسی با احساسات مردم و بمنظور شدت بخشیدن به اختلافات موجود مابین گروه های سیاسی است. بویژه در میان طرفداران خاندان پهلوی و هواداران دکتر محمد مصدق.

بقیه در ص ۵

جنگ و امنیت

نیکولا سرکوزی رئیس جمهور فرانسه در نخستین سخنرانی خود پیرامون سیاست خارجی کشورش در مورد جمهوری اسلامی ضمن اعلام اینکه ایران اتمی غیرقابل قبول است گفت: جمهوری اسلامی در صورت مذاکره جدی با آمریکا و اروپا می تواند امتیازهای زیادی بدست آورد و افزود: با ایران اتمی می شود یا بمباران.

وزیر استراتژیک اسرائیل هم ادعا کرد که اسرائیل اجازه حمله به تأسیسات هسته ای ایران را از آمریکا دریافت کرده است.

با دقت به ادعای وزیر اسرائیل و سخنان رئیس جمهور فرانسه می توان استنباط کرد که نه تنها سیاست خارجی فرانسه با دوران شیراک که به پیروی از دوگل در جهت مستقل بودن از آمریکا بود تغییر کرده است بلکه، در سیاست کشورهای انگلستان و آلمان نیز که تاکنون مخالف هرگونه حمله هوایی به ایران بودند، تغییر محسوسی پدید آمده است.

نگرانی دولتمردان اسرائیل در مورد آینده کشورشان با توجه به تهدیدهای سردمداران اسلامی، باعث

بقیه در ص ۸

در این شماره می خوانید:

- جایز الخطا
مهندس مسعود هارون - مهدوی
- جنگ و امنیت
هیئت اجرایی جبهه ملی ایران - خارج از کشور
- گزارشی از اکسیون اعتراضی نسبت به اعدام ها در ایران
سازمان جوانان جبهه ملی ایران (شهر مونیخ - آلمان)
- بقای ایران در حفظ استقلال است
بیانیه دبیرخانه حزب ملت ایران، تهران
- شصت سال پیکار خستگی ناپذیر
بیانیه دبیرخانه حزب ملت ایران، تهران
- درباره پیشنهاد همه پرسی پیرامون غنی سازی اورانیوم
دکتر حسن کیانزاد
- خبرهای ورزشی
ایران
- شعری از سهیل محمودی

یاران

منشینید خموش

ایران بر سایه دار است هنوز

منشینید خموش

در حمایت از کمپین اعتراضی علیه سیاست ضد انسانی جمهوری اسلامی در خصوص سرکوب وحشیانه جنبش های آزادیخواهانه مردم ایران و موج اعدام های علنی، سازمان جوانان جبهه ملی ایران اقدام به برپائی سه روز آکسیون نمایشی نمود. در این آکسیون سه روزه، گوشه هائی از مبارزات زنان، کارگران، دانشجویان و معلمان به نمایش گذاشته شد. همچنین صحنه هائی از سرکوب مردم توسط نیروهای سرکوبگر رژیم و عکس هائی از اعدام های خیابانی در معرض دید همگان قرار گرفت. مردم با دیدن این عکس ها، انزجار خود را با امضا کردن پتیشن «اعدام ها را متوقف کنید»، از این رژیم قرون وسطائی نشان دادند.



ای آفریدگار پاک

ترا پرستش می کنم و از تو یاری می جویم

بقای ایران در حفظ استقلال است

هم میهنان! در آستانه یکصدویکمین سالروز مشروطیت هستیم، مشروطیتی که خواهان اجرای حکومت قانون و عدالت بود. همراه با صمیمانه ترین شادباش ها یاد و خاطره این روز بزرگ را گرامی می داریم و همزمان دریغا گوئیم که ملت مان هنوز پس از یکصد و اندی سال از استقرار مشروطیت برای عدالت و آزادی قربانی می دهد.

پنجاه سال پس از خیزش ملی مشروطیت، در هنگامه جنگ جهانی دوم، در آن سال های تیره که جای جای میهن لگدکوب نیروهای امپریالیست روس، آمریکا و انگلیس و عوامل مزدورشان بود، حزب ملت ایران توسط جوانان میهن پرست که تحمل آثار ننگین اشغال میهن را نداشتند، بنیان گذاری شد تا ایران بماند؛ مردم آزاد، سربلند و شاد باشند. حزب ما پس از گذشت بیش از نیم قرن همچنان بر این باور میهنی پای فشرده و می فشارد. بودند کسانی که این حرکت ضد استعماری و ضد استبدادی حزب ملت ایران را تنها آرمانگرایی و حتا گمان پروری می پنداشتند، ولی اخگر (قُنوس) نیاز ملی از زیر خاکستر زمانه سر برکشیده و تکاپوهای ضد سلطه در چهارگوشه ایران زمین رو به گسترش نهاد که درست اندیشی و واقعگرایی این جوانان را به اثبات رسانید که از میهن و ملت خود غافل نباید بود که در برتو برابری، رفع تبعیض های جنسیتی و قومی است که باید وطن مان را دریابیم تا بخش های دیگر آن - همچون آخرین آنها بحرین - از مام میهن جدا نشوند.

شورریختانه بجای آنکه آغوش میهن گرمابخش خیزش های رهایی بخش در فراسوی مرزهای قراردادی گردد و به گسست های شوم پایان دهد و کانون همگرایی بخش های جدا شده باشد، در جنبه بازی های واپسگرایانه فرو افتاده و روز به روز فروتر می رود.

از این سوی، زمامداران با کونه اندیشی در تلاش اند با ایجاد فضای رعب و ترس، خمودگی را جایگزین ولایتدگی کنند و آرمانهای بزرگ ملی را برای زمانی کوتاه هم که شده از خاطره ها بزدایند. آنها با ندانم کاری ها سرگرم خط بازی های خودی و غیر خودی هستند و ملت و میهن را فدای دسته بندی های خود کرده اند تا گروه های ملت را از دانشجویان و روزنامه نگاران، فرهنگیان و کارگران، زن و مرد به گناه استقلال خواهی و آزادی طلبی به اسارت و بند بکشند. در نتیجه این رفتار آشفتنه و بدور از خرد و ضد ملی، امپریالیسم و همدستانش هم اجازه تصور تجاوز و دخالت در خاک میهن مان را به خود داده اند.

از آنسوی، چپاولگران جهان نیز به بهانه دموکراسی و آزادی، افکار عمومی جهان را به یاری گرفته اند. به راستی استعمارگران - چه شمالی و چه جنوبی - چه می خواهند؟ چرا ملت ها را بحال خود رها نمی کنند تا آنها تکلیف چگونه زیستن خود را با استبداد و خودسری، هرج و مرج اقتصادی و سیاسی و سرکوب، روشن کنند.

حزب ملت ایران به مثابه حزبی است که در درازای تاریخ زندگی سیاسی خود بر این باور بوده و هست تا هیچ بهانه ای به دست بیگانگان ندهد تا در امور داخلی میهن مان دخالت کنند. چرا که تجربه تلخ عراق، فلسطین، لبنان، افغانستان، پاکستان، چین و ... را پیش روی خود داریم. ضمن محکوم کردن رفتار استبدادی کاربدستان جمهوری اسلامی در صحنه های ملی و ندانم کاری در میدان های بین المللی که بدور از خرد و منافع ملی ما است، مواضع استعمارگران را در راستای بقای استبداد و سرکوب روزافزون ملت بویژه جوانان می دانیم.

برقرار باد مردمسالاری

برچیده باد زندان های سیاسی

ما خواهان آزادی زندانیان سیاسی هستیم

دبیرخانه حزب ملت ایران، تهران، ۱۵ مرداد ماه ۱۳۸۶ خورشیدی

همکاری با حاکمان جمهوری اسلامی، ضدیت با ملت ایران است

نگهداشت هستی‌سازمانی، رزم بی‌امان خود را در راه استقلال و آزادی ایران ادامه داد.

هم میهن

در ایران کنونی، حاکمان با نادیده گرفتن حقوق انسانی و ارزش‌های ملی و آزادی‌های فردی و اجتماعی عرصه را در همه زمینه‌ها به سختی بر مردم تنگ کرده‌اند، دگراندیشی به مانند زمینه‌ساز هر پیشروندگی ملی در حصار واپسگرایی افتاده است. عصر حاضر زمان استقلال و آزادی ملت‌هاست و راه دیگری در پیش نیست. بهوش باشیم که زمان در گذر و حادثه در کمین است.

زنان و مردان ایران زمین

در چنین برهه‌ای از زمان، حزب ملت ایران که پیوسته در همه فراز و فرودها درفش ملتگرایی را همچون رهبران شهید خود **داریوش و پروانه فروهر** پُرآمید برافراشته است. در شصت‌مین سالگرد روز بنیاد آغاز حرکت‌های بخش ملی ایران بار دیگر بر پیمان خود با شما پای می‌فشاریم.

ما بر این باوریم، استقلال ملی، آزادی فردی و اجتماعی و عدالت‌همگانی جز با برقراری سامانی مردم‌سالارانه دست‌یافتنی نیست، برای دستیابی به آن می‌بایست به مبارزات آزادیخواهانه با همبستگی کامل و خودسازی‌های فکری و اخلاقی و آرمانی، بدور از هرگونه خشونت تا پیروزی ادامه دارد. باشد تا ایرانزمین یکپارچگی را بازیابد و جاودانه، آزاد و آباد گردد.

خجسته باد روز بنیاد

در اهتزاز باد درفش ملت‌گرایی

آزادی زندانیان سیاسی، خواست ملت ایران است

دیبرخانه حزب ملت ایران
تهران، پنج‌شنبه، ۱۵ شهریور ۱۳۸۶ خورشیدی

ای آفریدگار پاک،
ترا پرستش می‌کنم و از تو یاری می‌جویم

شصت سال پیکار خستگی‌ناپذیر

هم میهنان

در زمان جنگ جهانی دوم با اینکه ایران بی‌طرفی خود را اعلام کرده بود مورد یورش دولتهای بیگانه قرار گرفت و سراسر ایران کنونی به اشغال لشگریان امپریالیستهای شرق و غرب در آمد. در چنین اوضاع و احوالی شماری از جوانان خودساخته میهن‌پرست با دریافت درست و مترقی به پایه‌نیاز ملی و رهایی میهن از اشغال بیگانه و استبداد حاکم‌نخست در انجمن‌گرد آمدند و سپس در شامگاه ۱۵ شهریور ۱۳۲۶ خورشیدی سازمانی متشکل و پویایی را پایه‌گذاری کردند که نام **پان ایرانیسم** بر آن نهاده شد و این روز خجسته «روز بنیاد» نام گرفت.

این مهم، در زمانه‌ای بود که تعدادی از روشنفکرنمایان چپ و راست که به قدرت‌های جهانی سلطه‌گر وابسته بودند (موازنه مثبت) شماری از مردم ساده‌دل را بدنبال کشانده و برای درمان همه آفت‌های به‌هستی ملی رسیده، به بیگانه چشم دوخته بودند تا اینکه زنان و مردان بیدار دل با وفاداری کامل به ناوابستگی (موازنه منفی) به پیشوایی مصدق بزرگ با برداشتی درست از آرمانهای نهضت مشروطیت به پا خاستند و دشمن را به عقب‌نشینی واداشتند و جنبش ملی کردن صنعت نفت را به ثمر رساندند.

در آن روزهای سرنوشت‌ساز شماری از پرورش‌یافتگان **مکتب پان ایرانیسم** که در پیکارهای رهایی‌بخش کوشا بودند با برخورداری از شرایط زمان و درک درست تاریخی و اجتماعی در یکم آبان‌ماه ۱۳۳۰ حزب ملت ایران را پدید آوردند که در مسیر زمان به گونه یکی از پایگاههای اصلی نهضت ملی ایران در آمد. از آن پس، این حزب آرمانخواه با تکیه بر جهان‌بینی پراج خود به مبارزه در جهت پاسداری از وحدت جامعه گسترده ایران و استقلال و آزادی و حقوق مردمی آن پرداخت و در سراسر سالهای اختناق با

دکتر حسن کیانزاد

درباره پیشنهاد همه پرسی پیرامون غنی سازی

اورانیوم

(بخش دوم و پایانی)

پس پرسش اساسی در یک همه پرسی فرضی از مردم ایران این نمی تواند باشد که آنها پاسخ دهند که می خواهند پای آن «حق مسلم» که تلقی تبلیغی نادرست اش بنا بر ادعای حکومت «غنی سازی اورانیوم» می باشد، بایستند. آیا به گفته خانم شیرین عبادی حتا به بهای از دست رفتن همه چیز و فدا شدن همه حقوق؟

ناگفته پیداست که پاسخ به این پرسش در جو خفقان ۲۸ ساله حاکم و سلطه جبارانه حکومت بر تمام ابزار قدرت و همچنین در خلوت نشینی مخالفین خیالباف و دلمشغول بویژه در برون مرز، که برخی هم رسالت پیامبرانه خرجه پوشان ملی و ملت گرا را هم بر دوش گرفته و همراه با حکومتگران جمهوری اسلامی مسئله انرژی اتمی را به یک جریان ملی و غیرتی حیثیتی تبدیل کرده اند، برای قشرهای گسترده ای از جامعه ایران آسان نخواهد بود.

بنابراین وظیفه برگزیدگان و اندیشه وران آزادیخواه و دلسوز جامعه ایران نباید تنها محدود به موعظه کردن و توصیه و پیشنهاداتی شود که حکومت نتواند انگ هم آوایی با بیگانگان را به آنها می زند و یا اینکه آنان را زیر فشار از میدان بدرکن. در شرایطی که اکثریت مردم ایران بر پایه آمار رسمی بانک مرکزی هفتاد درصدشان زیر خط فقر زندگی می کنند و تجربه تلخ «نعمت» جنگ تحمیلی ۸ ساله را از یاد تبرده اند و نگران درگیری جنگ دیگری می باشند، باید به مردم ایران صریح گفت که تقاضای جامعه جهانی از دولت ایران یعنی چشم پوشی از غنی سازی اورانیوم بهیچوجه معنایش متوقف ساختن برنامه استفاده صلح آمیز از انرژی اتمی نیست و هیچگونه «حق مسلم»ی هم از ملت ایران گرفته نمی شود. پرسش هدفمند برای از میان بردن این بحران فرسایشی که منافع و مصالح ملی کشور ما را مورد خطر جدی قرار داده، پذیرش و یا رد قطعنامه های شورای امنیت سازمان ملل متحد، چشم پوشی از غنی سازی اورانیوم و همکاری راستین با مقامات مسئول و بازرسان آژانس بین المللی انرژی اتمی در وین خواهد بود.

برای پیشبرد این مقصود باید نخست فرهیختگان و برگزیدگان اپوزیسیون دموکرات ایران و همچنین خانم شیرین عبادی شفاف بگویند، که خود چگونه می اندیشند و چه رهنمودهایی را برای مردم ایران به همراه دارند و پاسخ شان در یک چنین همه پرسی پیشنهادی نسبت به پرسش فرازین چه خواهد بود؟ انتظار مردم زیر ستم ایران از ایشان که چگونه ای زیر پوشش حمایتی جایزه نوبل صلح و نوعی مصونیت سیاسی و جهانی قرار گرفته اند، این نیست که گستره گنش های حقوق بشری خود را در حصار محدودیت های جدی نهادهای امنیتی حکومت تنگ کنند و بیشتر به مسایل حاشیه ای از جمله زندانیان گوانتانامو، ابوغریب و با عراق و افغانستان بپردازند.

آن جایزه پرافتخار صلح، پیامی جهانی با مسئولیتی بزرگ برای گیرندگانش به همراه دارد که شخصیت هایی چونان خانم سان سوچی از بیرمانی، خانم وان گاری ماتایی از کینیا و ریگوبرتا منچوتوم یک کارگر مزرعه از گواتمالا، بر عهده گرفته اند. خانم سان سوچی یکی از مفتخرین به جایزه نوبل صلح بارها از سوی کودتاجیان نظامی بیرمانی به زندان افتاده است و از سال ۲۰۰۴ در خانه اش زیر کنترل نیروهای امنیتی در بازداشت بسر می برد، اما دست از مبارزه بر ضد استبداد حاکم بر کشورش بر نمی دارد. خانم وان گاری ماتایی پروفیسور بیولوژی سالیان دراز است که پرچم مبارزه در راه دفاع از حقوق بشر را نه تنها در کینیا، بلکه در آفریقا بدوش کشیده است و از سوی دیگر با بنیانگذاری جنبش درختکاری در آفریقا از سال ۱۹۷۷ تاکنون با کاشتن بیش از ۳۰ میلیون درخت در آفریقا و نگهداری از آنان هزاران آفریقایی را بکار مشغول کرده است.

شما هم خانم شیرین عبادی می توانستید در آن چهار سال گذشته که در جایگاه پرافتخار جایزه نوبل صلح قرار گرفته اید، توان و کوشش های حقوق بشری و آزادخواهانه خود را با پشتیبانی مردم و بویژه جوانان ایران که پس از تجربه تلخ خرداد ۷۶ با آقای خاتمی سرشکسته و ناامید گردیده بودند، بالا ببرید و با همراهی دیگر نیروهای ضداستبداد در درون و برون مرز، سمت و سویی پیونده به جنبش آزادیخواهی و حق بشری ملت ایران بدهید. یورش سبعانه گماشتان و عوامل سرکوب و قتل و جنایت رژیم به دانشگاه در قبال خواسته های بحق دانشجویان و همچنین قتل های زنجیره ای نویسندگان، روزنامه نگاران و زنده یادانی چونان پروانه و داریوش فروهر و صدها رزمنده دیگر در دوران زمامداری آقای محمد خاتمی که لکه ننگی است بر دفتر زندگی او، فرصت هایی بود برای شما و مشاورانتان که در پناه اعتبار و نام آوری جهانی خود، با دلیری در برابر مجریان اصلی آن جنایات، سرفرازانه سینه سپر کنید و مردم را به مقاومت در برابر ظلم و ستم و دفاع از حقوق شان فراخوانید. شما در مصاحبه با خانم آلیس شوارتزر صاحب امتیاز نشریه فمینیستی اِمَا (EMMA) که یکی از پیش آهنگان جنبش فمینیستی و دفاع از حقوق زنان در اروپا و جهان می باشد، از جمله در رابطه با قتل های زنجیره ای می گوئید دولت، خود بطور غیرمستقیم اقرار به شرکت در قتل ها کرده است. تنی چند از این روشنفکران را با طناب خفه کردند و دیگران را در خانه هایشان با ضربات چاقو کشته اند. همچنین دولت گفته است که یک گروه از وزارت اطلاعات سرخود دست به این قتل ها زده است. در دادگاه فرمایشی نظام مافیایی ستمگر، که شما از سوی وابستگان آن جانباختگان وکالت دادخواهی داشتید، می بایست که مسئولین اصلی آن جنایات، یعنی وزیر نهاد اطلاعاتی و رئیس دولت را برای ادای توضیحات به دادگاه فرا می خواندید.

آن وحوش و درندگانی را هم که بر کرسی اتهام نشانیده بودند، سرانجام از مجازات مصون ماندند و شوربختانه باز هم فرصتی دیگر که مردم ایران آمادگی برای بیان اعتراضات خود داشتند، عبث گردید. در حالیکه اسارت گاههای رژیم

بقیه در ص ۶

جبهه ملی خواهان نظامی است که تضمین کننده حقوق شهروندان باشد

جایز الخطا

نباید فراموش کرد که از این بابت ملت ایران تا به امروز نه تنها دست آوری نداشته، بلکه بهای بسیار سنگینی برای این حرکات غیر مسئولانه پرداخته است.

این افراد بجای اینکه تجربه و کارآئی خود را در مورد نجات ملت ایران و نفع مبارزه با دشمنان فعلی بکار گیرند، بدون کوچکترین احساس مسئولیتی با شگردهائی بسیار ناپخته به تضعیف نیروهای ملی مخالف جمهوری اسلامی که در واقع از خیلی جهات هم‌رزم و همدرد با آنان می باشند، پرداخته اند که این خود سؤال برانگیز است.

اجازه بفرمائید صراحتاً به کسانی که متوسل به چنین راه و روش نامتعادل سیاسی شده و دست به این حرکات زده اند، عرض کنم: عنوان کردن و به رخ کشیدن نقاط ضعف شخصیت هائی که مورد احترام خاص و عام هستند، هیچگونه اثری در میان ملت ایران نخواهد داشت و تلاشی عبث در راه کاستن از وزنه این شخصیت های شناخته شده در عرصه تاریخ می باشد که نه تنها ما، بلکه نسل های آینده هم مدیون خدمات و از جان گذشتگی این خدمتگذاران خواهند بود.

با این برخورد نامعقول و غیر منصفانه در مورد شخصیت هائی که از نام نیکی در مراجع بین المللی برخوردار هستند و آبرو و حیثیتی برای ملت ایران در خارج از ایران کسب کرده اند، جز نداوم بخشیدن به حکومت جمهوری اسلامی و شادمانی دشمنان ملت ایران در داخل و خارج از کشور اثری نخواهد گذاشت.

در گذشته تعدادی از افراد بی اخلاق چه از جناح طرفداران جبهه ملی و چه از سوی سلطنت طلبان، با رفتار مغرضانه و ناهنجار خود که دور از شئون انسانی و روشنفکری بوده، همواره مانع همبستگی شده اند.

ایجاد درگیری و دامن زدن به اختلافات بین گروه های ملی مبارز، دردی را دوا نمی کند جز اینکه، به ثبات نظام جمهوری اسلامی دوام بخشد که یقیناً، با خواست و منافع ملت ایران همخوانی نداشته و به زیان مبارزه خواهد بود.

امیدوارم کسانی که از این بابت رنجیده اند، بخاطر اینکه به تلاش برای همبستگی نیروهای ملی لطمه وارد نشود، از هر نوع عکس العمل مغرضانه خودداری فرمایند. در اینجا باید یادآور شد، همانطور که خدمات پادشاهان سلسله پهلوی را، هرچند که ایرادات و نقاط ضعفی بهمراه داشته، نباید نادیده گرفت، بلکه برای سازندگی هائی که در دوران آنان صورت گرفته باید قدر دانست و ارزش قائل شد، همانطور هم از شخصیت تاریخی دکتر مصدق که در میان مردم از محبوبیت بسیاری برخوردار است - بخصوص در مورد شهامتی که در مقابل دولت وقت انگلیس از خود نشان داد - باید با احترام یاد کرد و نامش را گرامی داشت. حتی اگر مرتکب اشتباهاتی هم شده باشد.

چنانچه بخواهیم انگشت روی نقاط ضعف همدیگر بگذاریم، این دیگر تمامی نخواهد داشت و از این بند خلاص نخواهیم شد. این همان فرصتی است که حکومت جمهوری اسلامی امروز بیش از پیش به آن نیازمند است.

باید اذعان کنیم، هر کدام از ما جایز الخطا هستیم و مطمئناً در زندگی خود اشتباهات متعددی مرتکب شده ایم و کمابیش نقاط ضعفی هم داریم. آنطور که روایت است، موقعی که در حضور حضرت پیغمبر قرار بود شخصی را مورد سنگسار قرار دهند حضرت پیغمبر رویش را به کسانی کرده و فرمودند تنها کسی

اجازه دارد سنگی پرتاب کند که خود چنین خطائی نکرده باشد. که بعد دیدیم همه حاضرین سنگهای خود را بزمین گذاشته و صحنه را ترک کردند.

برای برداشت منصفانه می بایست نتیجه مجموع اعمال و کارکرد انسانها را ارزیابی کرد.

با توجه به موقعیت حساس، سرنوشت ساز و بسیار غم انگیزی که ملت ایران امروز با آن روبرو می باشد، آیا یک انسان روشنفکر ملی که نگران سرنوشت هموطنانش است در این موقعیت حساس سیاسی میآید، به بهانه بررسی باصطلاح تاریخ، نیش قلم خود را بجای اینکه صرف مبارزه با حاکمان جمهوری اسلامی که مسئولین واقعی این ناهموازی ها و نابخردی ها می باشند نماید، معطوف به پایمال کردن خدمات انسانهایی که غیرت و شرفشان زبانزد خاص و عام بوده بکار گیرد؟

حاصل، وجود بی مسئولیتی ها و خودخواهی ها بوده که باعث روی کار آمدن و بقدرت رسیدن حکومت جمهوری اسلامی شد. امروز به جرأت می توان گفت، شاید قبل از حوادث ۳۰ تیر ۱۳۳۱ و مرداد ماه ۱۳۳۲، چنانچه اطرافیان شاه و مصدق، حسن نیت از خود نشان می دادند و بجای دامن زدن به آتش اختلافات دو شخصیت مدعی، سعی در رفع اختلافات موجود آن زمان می نمودند و دشمنی را تبدیل به دوستی می کردند، مطمئناً نه انقلابی رخ می داد و نه نامی از جمهوری اسلامی در صفحات تاریخ ایران و جهان بچشم می خورد. و همچنین، از میلیاردها دلار خسارات مالی و صدها هزار کشته و معلول و فقر و فساد و نا امنی که به تمام روی زمین سرایت کرده، جلوگیری بعمل می آمد.

حال بجای اینکه از اشتباهاتی که رخ داده و کوتاهی هائی که در گذشته نسبت به ائتلاف گروه های ملی صورت گرفته درس گرفته باشیم و بجای تفرقه اندازی سعی در ایجاد اتفاق و همبستگی نمائیم، مناسفانه امروز ناظر بر آنیم که عده ای دوباره به همان راه و روش که اشتباه محض است متوسل شده اند.

حال چرا باید به این بازیهای سیاسی تن بدسیم و اشتباهات گذشته را تکرار نمائیم؟ پاسخ را آنان باید بدهند!

سال های سال است که تعدادی از شخصیت های وابسته و متمایل به جبهه ملی که مصدق را با تمام خصوصیات مثبت و منفی اش صمیمانه دوست دارند و او را بنام یک شخصیت ملی که بهترین ها را برای ملت ایران می خواسته قبول دارند، با روی کار آمدن و بقدرت رسیدن حکومت جمهوری اسلامی که عملاً نشان داده که با ملت و هویت مردم ایران دشمنی دارد، به مبارزه برخاسته اند. با این اعتقاد که اگر می خواهند از پس این دشمن برآیند و ملت ایران را نجات دهند، حتی المقدور از درگیری با دیگر گروه هائی که یک چنین هدفی دارند - با وجود اختلاف های ایدئولوژیکی - باید خودداری کنند. باید گفت که، خوشبختانه تا کنون توانسته اند با تمام مشکلاتی که وجود داشته تا حدی موفق شوند.

این همفکران و همگامان سیاسی به لحاظ اینکه از روحیه و افکار دموکراسی برخوردار هستند معتقد بر اینند که بیش از هر شخص و چیزی باید به منافع ملت و تمامیت ارضی ایران که در رأس اهداف ملی قرار دارد بها داده شود.

خوشبختانه امروز شاهد آن هستیم که در همه جناح های چپ و میانه و راست اپوزیسیون ملی، روز به روز بر تعداد اشخاصی که با کنار گذاشتن اختلافات شخصی و مسائلی که در گذشته باعث اختلاف بین احزاب و گروه های مختلف شده بود در راه همبستگی پیشقدم شده اند، افزوده می شود. حمایت از این فعالین سیاسی در اپوزیسیون ملی تنها راه دستیابی به همبستگی و پیشبرد در تحقق بخشیدن خواستههای ملت ایران است.

در خاتمه عرائض میباید به این نکته اشاره کنم که رهائی ملت ایران از این بن بست تاریک به این آسانی ها انجام پذیر نیست. رسیدن به این آرزوها بهای سنگینی دارد که تنها با سرمایه معنوی ما ایرانیان قابل پرداخت است.



درباره پیشنهاد همه پرسی

بقیه از ص ۴

در ۲۸ سال گذشته انبان از هزاران زندانی سیاسی بوده که بسیاری از آنها در زیر شکنجه جان داده اند، ستم روایی و توهین و تجاوزات جنسی برای شکستن توان مقاومت انسانی زندانیان بگونه ابزاری بکار گرفته شده است. شما در سفرهای خود به خارج که دیگر بیشتر جنبه تشریفاتی پیدا کرده است، زبان به انتقاد از زندانهای گوانتانامو و ابوغریب می گشایید و هم آوای تبلیغات ضد آمریکایی در عراق و افغانستان می شوید. بگذریم از بازماندگان رژیم بعثی صدام حسین در عراق و طالبان در افغانستان و بمب گذاری و قتل و جنایات روزانه مذهبی میان شیعیان و سنی یان، که مسبب اصلی ناآرامی ها و بحران آفرینی ها در این دو کشور هستند. اما آیا بهتر نیست که ایرانیان هنگامیکه می دانیم، که حکومتگران ایران با حمایت های ابزاری و مالی گسترده از گروههای تروریستی و اسلامبستی در این کشورها بویژه در عراق و لبنان و فلسطین، دخالت مستقیم در این ناآرامی ها و تنش آفرینی ها دارند، محترمانه سکوت کنیم و در فکر حل مشکلات نابسامان خودمان باشیم؟

اکنون باز می گردم به پیشنهاد خانم شیرین عبادی. مهمترین ارزش طرح یک چنین پیشنهادی در این است که بتوان واقعیات را در رابطه با برنامه اتمی رژیم مطرح کرد و عرصه عمل و تبلیغ فکر را تنها در اختیار حکومت نگذارد. اپوزیسیون در این زمینه از خود ضعف و سستی و غافلگیری در روبرویی با سیاست های پوپولیستی رژیم نشان داد و کسانی از آنان هم که کبکبه و دبدبه رهبری دارند، ساده انگرانه با اشاره به هندوستان و پاکستان می گویند ما چرا بمب اتمی نداشته باشیم؟

یکی از واقعیت ها روشنگری در عرصه سیاست خارجی حکومت در نگرش به مسایل جهانی است، از آن جمله اعلام نابودی کشور اسرائیل از سوی آقای رئیس جمهور احمدی نژاد و انکار هولوکاست، یعنی نابودی نزدیک به شش میلیون انسان از زن و مرد و خرد و بزرگ در کوره های آدم سوزی و ننگین ترین اش برگزاری کنفرانس هولوکاست با شرکت عناصری معلوم الحال از نئونازی ها و فاشیست های آلمان و اروپا در تهران، که خرج آن از کیسه پرفتوت دلارهای نفتی تأمین گردید. و سه دیگر، پشتیبانی کارگزاران حکومت از تمامی گروههای رادیکال تروریستی در لبنان و عراق و فلسطین و دیگر جهان، برگزاری کنفرانس سران کشورهای عرب به دعوت ملک عبدالله پادشاه عربستان سعودی در ریاض در رابطه با حل بحران در عراق و فلسطین و لبنان و

همچنین تحریکات و دخالت های ناروای جمهوری اسلامی در آن کشورها، نشان داد که آنان در رابطه با اهداف اتمی ملایان در ایران متفقاً مقاومت خواهند کرد و در کمترین اش این خواهد بود که خود، یعنی مصر و عربستان سعودی هم در صدد تولید این سلاح مگاویرانگر برآیند و منطقه خاورمیانه را به یک حوضه تسلیحات اتمی غیرقابل کنترل تبدیل سازند. از سوی دیگر چه ما موافق و یا مخالف تولید صلح آمیز انرژی اتمی باشیم و یا نباشیم، باید بیاندیشیم که آیا خردمندانه است کشوری که خود دارای ذخائر نفت و دومین منبع تولیدی گاز در جهان است و همچنین در بیشترین مناطق کشور در تمام سال از تابش گرم آفتاب برخوردار است و می تواند به مانند بسیاری از کشورها از جمله اسپانیا با سرمایه گذاری میلیاردی از این انرژی که پاکیزه است و همیشه در دسترس، استفاده کند، بدنبال تکنولوژی خطرناکی برود که کشور ما نه تنها هیچگونه تجربه کاربردی آنرا ندارد، بلکه همواره باید دستش بسوی کارشناسانی دراز باشد که بیشتر منافع استراتژیک خود را در نظر دارند تا رفع نیازهای ملی ما را. بگذریم از مشکل بزرگ دفن زباله های اتمی با تشعشعات سرطان زای صدها ساله و آلودگی محیط زیست برای نسل های آینده.

یادآور می شوم که هنوز هم کشورهای اروپایی از جمله آلمان و فرانسه پس از دهها سال تجربه و کاربرد پیش رفته ترین تکنولوژی هسته ای جهانی نتوانسته اند راه حلی مشکل گشا برای نگهداری از زباله های هسته ای بیابند. به همین جهت کشور آلمان تا آغاز دهه سی به تناوب نیروگاههای اتمی خود را تعطیل خواهد کرد و از هم اکنون با شتاب رو بسوی تکامل تکنولوژی تولید انرژی از قبیل: باد و آفتاب و دانه های نباتی چربی زا و همچنین هیدروژنی هستند.

خانم شیرین عبادی، به هر روی پیشنهاد شما می تواند آغازی باشد برای بازنگری در رابطه با فرصت های از دست رفته چهار سال گذشته که شما می توانستید و مردم ایران هم از شما این انتظار را داشتند که با جرأت و دلیری و اعتبار جهانی برخاسته از جایزه صلح نوبل، قاطعانه ابراز نظر کرده و از خود قدرت عمل ظاهر سازید. و این مسئولیتی است که که آن افتخار بزرگ بر روی دوش شما گذارده است. در سراسر جهان همیشه زنان و مردان بسیاری بوده اند و هستند که بدون دریافت چنین جایزه ای در راه دفاع از حقوق بشر و آزادی و حرمت انسانی، جان باخته اند.

بقیه در ص ۷

خبرهای ورزشی از مهرداد علی بابایی

در ماههای اخیر ما شاهد پیروزی غرورانگیز قهرمانان ایران در رشته های مختلف ورزش بشرح زیر بوده ایم:

ایران قهرمان والیبال نوجوانان جهان

در دهمین دوره مسابه های والیبال نوجوانان جهان، تیم ملی نوجوانان ایران به مقام قهرمانی رسید. تیم والیبال نوجوانان ایران نخستین تیم ورزشی است که در یک ورزش گروهی قهرمان جهانی می شود.

جوانان ایران نایب قهرمانی جهان در کشتی آزاد و سوم،**در کشتی فرنگی شدند**

تیم بر قدرت کشتی آزاد جوانان ایران در مسابه های کشتی آزاد نوجوانان جهان که در یکن پایتخت چین برگزار شد، تنها با تفاوت یک امتیاز ۵۷ بر ۵۶ نایب قهرمان جهان شد. در این دوره مسابقه های جهانی جوانان ایران در کشتی فرنگی به مقام سوم جهان دست یافتند.

قهرمانان کشتی آزاد ایران قهرمان آسیا شدند

همچنین نوجوانان ایران در کشتی فرنگی به مقام دوم آسیا رسیدند

کاراته بازان ایران در مقام سوم آسیا

این پیروزی های غرورانگیز را به تک تک ورزشکاران، مربیان و به جامعه ورزشی ایران صمیمانه شادباش می گویم

تیم ملی بسکتبال ایران برای اولین بار در تاریخ به مسابقات بازی های المپیک راه یافت

موفقیت غیر منتظره بازیکنان تیم ملی بسکتبال ایران را در راه رسیدن به مقام قهرمانی مسابقات جام ملت های آسیا در ژاپن به ملت ایران و بازیکنان این تیم و همچنین جناب آقای محمود مشحون که در سمت ریاست فدراسیون بسکتبال با تلاش بیش از حد خود نقش بسزائی در این مورد ایفاء کرده، از صمیم قلب تبریک عرض می نمائیم.

مهندس مهدوی، رئیس سابق فدراسیون هندبال ایران

درباره پیشنهاد همه پرسی

بقیه از ص ۶

از خانم پولیس کایا در روسیه و هرائت دینک ارمنی اهل ترکیه، نام به میان آورم. آن زن مبارز دلیرانه با وجود تهدیدات پیگیر از حقوق مردم چین به دفاع برخاست و سیاست سرکوب ارتش روسیه و دولت پوتین را در چین سخت مورد انتقاد قرار داد و سرانجام بدست فرستادگان ک.گ.ب به قتل رسید و آقای هرائت دینک ارمنی اهل ترکیه هیچگاه زبان از دفاع از حقوق ارمنه و همچنین افشای جنایات حکام عثمانی و قتل عام نزدیک به یک میلیون و نیم ارمنه فرو نیست. او سایه مرگ را بر سر خود می دید و تهدیدات را بر جان خود هموار می کرد اما، از خواست خود که دولت ترکیه باید این کنش ننگین تاریخی را بپذیرد و از ارمنه طلب بخشایش کند، هرگز برنگذشت و سرانجام چند ماه گذشته بدست ناسیونال - فاشیست های تُرک به قتل رسید.

خانم سیران آتش مقیم آلمان، زن تُرکی که به سبب دفاع از حقوق زنان تُرک از سوی متعصبی مذهبی و اسلامیسست ها مورد تهدید به مرگ قرار گرفت، دفتر وکالت خود را در شهر برلین تعطیل کرد اما، لب بر بی عدالتی ها و سستی که بر زنان روا می گردد فرو نیست.

ایان بیرزی علی سومالی، بانوی پناهنده ای که در هلندحتی به نمایندگی پارلمان انتخاب شد، هرگز با وجود تهدیدات مداوم از سخت کوشی و مبارزه بر ضد اسلامیسست ها و ختنه خونبار زنان آفریقایی برای ارضای بیشتر شهوات حیوانی مردان، دست برنکشید. او می گوید: *در برابر دیکتاتورها باید مقاومت کرد، جرأت داشت و ریسک جان کرد. ما باید با وجدان خود بتوانیم کنار بیاییم.*

خانم شیرین عبادی، شما در کتاب «ایران من» که در ماه مه ۲۰۰۶ در آلمان منتشر گردیده است و بخش هایی از آن در کنار مصاحبه شما با نشریه «اما» که با آن در فراز اشاره کردم، درج گردیده است. می نویسد: از هنگامی که جایزه نوبل صلح به شما اعطا گردید، تهدیدات به مرگ افزایش یافته اند بگونه ای که دولت برای حفظ جانتان مأمورین را شبانه روز به پاسداری فرستاده است. در تهران فازهایی از زندگی سیاسی وجود دارد که انسان خطر را از نزدیک لمس می کند به گونه ای که حتا باید درگوشی صحبت کرد. گاهی دوستانم می گویند به خارج بروم، اما فکر می کنم چه فایده ای در خارج دارم. آیا کاری را که من در ایران می کنم و نقشی را که بر عهده گرفته ام می توانم در برون مرز انجام دهم؟ پاسخ من نه است. «اما روشن می دانم که دشمن بزرگ من ترس است و این ترس، ترسی است که ایرانیان دارند و به مخالفانمان اقتدار بخشیده است».

آری، شما خانم شیرین عبادی و ما و همه ایرانیانی که قلب شان بخاطر نیل به آزادی، دفاع از حقوق بشر و ارزش های انسانی می تپد و بر ضد ظلم و ستم استبداد مذهبی ۲۸ ساله حاکم در ایران مبارزه می کنند، باید بر ترسی که این جاهلان و مافیای سیاسی مذهبی یعنی حکومتگران جمهوری اسلامی با ابراز سرکوب و شکنجه و قتل و جنایت بر زنان و مردان میهن ما تحمیل کرده اند، با جرأت و دلیری غالب گشت و سرانجام جنشش آزادیخواهی ملت ایران را بسوی صلح و صفا، مهر انسانی و عدالت اجتماعی و پیروزی نور تابنده بر جهل و تاریکی های زمان، رهنمون گشت.

در این راه دراز اما پایانگیر ما به شما همراهیم. *

جنگ و امنیت

بقیه از ص ۱

از سهیل محمودی

حساسیت هایی در میان دولتمردان و کنگره آمریکا شده است ولی گرفتاری های آمریکا در عراق که برای شکستن بُن بست آن حتی حاضر به گفت و گو با نمایندگان جمهوری شده، امکان حمله هوایی به ایران را توسط آن کشور محدود می سازد. از این رو می توان پذیرفت که حمله هوایی احتمالی به ایران توسط اسرائیل به تنهایی صورت پذیرد.

از آنجا که آلمان، فرانسه، انگلستان و حتی ایتالیا به دلیل منافع اقتصادی، تاکنون تلاش می کردند که سردمداران اسلامی را متقاعد به متوقف ساختن غنی سازی اورانیوم سازند به نظر می رسد اکنون تضاد میان اروپا و آمریکا در مورد دادن چراغ سبز به اسرائیل برای حمله به ایران از میان برداشته شده باشد و این جمله رئیس جمهور فرانسه را که یا ایران اتمی می شود یا بمباران، می توان گواه این توافق دانست.

از این رو شاید در آینده نه چندان دیر شاهد حمله هوایی به تأسیسات اتمی ایران و در صورت درگیری بیشتر مراکز نظامی باشیم.

وظیفه آزادیخواهان و ایران دوستان در این شرایط، به مراتب خطرتر و مسئولانه تر از گذشته می باشد.

همرزمان گرامی

پی آمد حمله هوایی آنطور که خبرگزاری ها به آن اشاره کرده اند شامل ۱۲۰۰ نقطه از خاک ایران از جمله: تأسیسات نظامی و مراکز پژوهشی و اتمی خواهد بود. این حملات نه تنها باعث تضعیف حکومت جمهوری اسلامی نخواهد شد بلکه، آن را قوی تر هم خواهد کرد. ما هرگونه حمله نظامی - چه از طریق هوایی و چه زمینی - را به مثابه تجاوز به خاک ایران، به سرمایه های ملت ایران و به جان و مال مردم ایران می دانیم. بهمین خاطر است که اعضاء جبهه ملی و دیگر نیروهای ملی، این نوع اعمال خشونت آمیز و سیاست های غیرشفاف را از سوی هر کشور یا گروهی که بخواهد صورت بگیرد، محکوم کرده و معتقد بر این هستیم؛ همانطور که جنگ مابین حکومت های ایران و عراق تبدیل به یک جنگ طولانی بی حاصل و خانماسوز مابین مردم ایران و عراق گردید و در این میان تنها حاکمان جمهوری اسلامی نهایت سوءاستفاده را از آن به نفع تداوم بخشیدن به حکومتشان نمودند، این بار نیز مطمئناً از حمله نظامی - حال می خواهد از طرف اسرائیل باشد یا آمریکا- چیزی جز ضرر و زیان متوجه ملت ایران نخواهد بود. برعکس، این حاکمان جمهوری اسلامی هستند که از این موقعیت بهره برداری کرده و همچنان به اسارت ملت ایران جهت بقای حکومتشان ادامه خواهند داد.

حملات نظامی به خاک ایران نه تنها کمکی به ایجاد امنیت در منطقه نخواهد کرد بلکه، سبب ناامنی بیشتری در سراسر جهان خواهد شد.

این وظیفه همه ما آزادیخواهان است که با توافق بر اصول مشترک که آزادی و حاکمیت ملی در رأس آن قرار دارد، به عمر این استبداد مذهبی و ضد ملی حاکم بر ایران پایان دهیم نه اینکه با استقبال از حمله نظامی بیگانگان به خاک میهنمان و به هلاکت رساندن مردمان بیگناه که احتمال تجزیه ایران را نیز در پی خواهد داشت، بخواهیم از حکومت جمهوری اسلامی انتقام بگیریم.

برای رسیدن به توافقی تاریخی در راستای نجات کشور و مردم ایران، اصل نخست و بسیار مهم آن است که ما آزادیخواهان بخواهیم و همت کنیم تا در آینده ای نزدیک ایرانی آزاد و آباد و مستقل داشته باشیم.

هیأت اجرایی جبهه ملی - خارج از کشور -

پنجم سپتامبر ۲۰۰۷، برابر با ۱۴ شهریورماه ۱۳۸۶

ایران

آرامش را در تو جویم

ای وسعت سبز،

نجوای خود را با تو گویم

ای فرصت سبز!

...

ای دشت هایت ارغوانی

ای گلشن راز!

با لاله هایت می توانی

باشی سرافراز

...

ای سرزمین آسمانی

ای کشور عشق

نامت بلند و جاودانی

در دفتر عشق

...

مردان تو - در استقامت

مثل دماوند

در پاکی روح و کرامت

مانند اروند

۰۹ ۵۵

خوانندگان گرامی می توانند مطالب خود را جهت چاپ در نشریه جبهه ملی خارج کشور، به نشانی زیر بفرستند.
راه تماس با سازمان جوانان جبهه ملی خارج از کشور:

www.javanane-melli.de
info@javanane-melli.de

نشریه

جبهه ملی ایران

خارج کشور

با مسئولیت هوشنگ کردستانی زیر نظر

هیأت تحریریه

هوشنگ کردستانی، مهندس مسعود هارون - مهدوی و

دکتر امیر هوشمند ممتاز هر ماه یک بار در خارج از

کشور انتشار می یابد

نوشتارهای با نام نویسنده در نشریه جبهه ملی ایران خارج کشور، الزاماً نظر جبهه ملی ایران نیست.